

تاریخچه اموال فرهنگی و اصول مستدسازی اشیاء موزه‌ای

قربان عزیززاده
گروه پژوهش و برنامه‌ریزی

است، و همچنین کلیه الواح گلی که از تخت جمشید به دست آمده‌اند.^۲

در میان آثار و اسناد مکتوب مربوط به سده سوم پیش از میلاد تا سده سوم میلادی (همزمان با نفوذ مقدونیه‌ها، فرمانروایی سلوکیها و تشکیل حکومت اشکانی) گاهی به موجودیتهای اموال فرهنگی اشاراتی شده که از آن جمله است موضوع گردآوری متون و بخشهای پراکنده مربوط به مذهب رایج زمان^۳ و مجسمه مفرغی اشکانی در موزه ایران باستان، مجموعه سکه متعلق به بانک سپه، برخی تصاویر حکاکی شده روی قطعات استخوان و بقایای معبد کنگاور و عمارت الحضرا. این آثار به ویژه معرفت تأثیر عمیق هنر و معارف یونانی به هنگام حکومت اشکانیان است.

با استقرار و تحکیم ساسانیان در قرن سوم میلادی، تحولاتی در ساختار اقتصادی و سیاسی کشور بروز کرد که لاجرم تغییراتی را در حیات مادی و معنوی جامعه به دنبال داشت. اکنون با مطالعه آثار متعلق به آن دوران، می‌توان تأثیر این تحولات را بر ترقی و انحطاط برخی رشته‌های هنری و حرفه‌ای مشاهده کرد. این دوره به ویژه عصر توسعه کارگاههای نساجی و تکامل پارچه و زری بافی و نقره‌کاری بوده که با استفاده از نیروی خلاقه هنرمندانی که از سرزمینهای دیگر کوچانده شده بودند، ترقی و توسعه یافته بود. نمونه‌هایی از ظروف اصیل و ثبت شده متعلق به این عصر، اینک زینت بخش موزه ایران باستان، و به ویژه موزه ارمنستان لنینگراد است که به داشتن بزرگترین مجموعه آثار ساسانی شهرت دارد.

علاوه بر موارد ذکر شده، صنعتگران و شهرسازان و صاحبان مشاغلی چون سنگتراشی، گچبری، فلزکاری، خنیاگری و ضرب مسکوکات نیز هریک ادوات مورد نیاز حرفه خود را توسعه

اصطلاح «اموال فرهنگی» در برابر CULTURAL OBJECTS به کار رفته و مراد از آن اشیایی است که به عنوان آثار عتیقه و اشیای نفیسه شناخته می‌شوند. این آثار، جزئی از اسناد تاریخی و مهمترین نمود حیات فرهنگی هر کشور محسوب می‌شوند. شناسایی این اشیاء، زمینه نگهداری و عرضه آنها را به وجود می‌آورد و از سوی دیگر، تلاشی است در شناخت تاریخ و حیات معنوی هر قوم. از این رو برای موزه‌داران و دست‌اندرکاران موزه‌ها ضروری است تا با جمع‌آوری، توصیف و ویژگیها و ثبت جزئیات اشیاء، هر اثری را به خوبی بشناسند و در راه ثبت و ضبط و حفاظت آنها، تلاشهای لازم را به عمل آورند. این مقاله دو بخش را دربرمی‌گیرد:

۱- تاریخچه اموال فرهنگی در ایران

۲- اصول مستدسازی اموال فرهنگی

تاریخچه اموال فرهنگی در ایران

ظاهرأ بخش کوچکی از آنچه در میان نوشته‌های مورخین دیده می‌شود، می‌تواند صحت داشته و گویای آن باشد که از دورترین زمانها، مجموعه‌های نفیس و ارزشمندی در کشور گردآوری و به مرور دستخوش حوادث و توفات شده‌اند.

اگرچه امروز، در میان این نوشته‌ها، به سبب نقص شواهد معتبر، ردیابی قطعی مجموعه‌ها میسر نیست، در ادوار تاریخی و حداقل از هزاره اول پیش از میلاد، دقیقاً می‌توان به مجموعه‌های اموال فرهنگی ایرانی اشاره کرد؛ از آن جمله مجموعه موسوم به ذخایر سیحون، فرشها و آثار مکشوفه در دره پازیریک^۴، و مجموعه بی‌همتایی که در تالار گنجینه موزه ایران باستان محفوظ

و تکامل بخشیدند که نمونه‌هایی از این آثار، اینک در برخی از موزه‌های داخلی و معدودی از مراکز فرهنگی خارج از کشور نگهداری می‌شوند و «معرف یکی از درخشان‌ترین ادوار صنایع باستانی ایرانند»^۵.

بر اساس نوشتهٔ سیاحان^۶ عصر ساسانی و مولفان مسلمان، همراه با پیشرفت علوم (به ویژه علوم نظری) و ایجاد مدارس و دانشکده‌ها و رواج متون ادبی و علمی و ترجمهٔ کتب (به خصوص در زمینهٔ فلسفه، اخلاق و طب از زبانهای یونانی، سریانی و سانسکریت به پهلوی) و تشکیل کتابخانه‌ها، نسخه‌های خطی فراوانی در مراکز علمی کشور فراهم آمد. این کتابها بعدها و به ویژه در دوران حکومت خلفای عباسی، به زبان عربی ترجمه شدند تا معدودی از آنها از گزند تحولات آتی مصون بمانند. نام شمار زیادی از این کتابها در الفهرست ابن‌الدیم^۷ ذکر شده که از آن جمله می‌توان کتابهای چترنگ (شطرنج)، کليلة و دمنه و سیرالملوک را با ترجمهٔ ابن مقفع ذکر کرد.

با ورود مسلمانان به ایران، در میانهٔ قرن هفتم میلادی، تحولاتی به مدت بیش از یک قرن در نظام اجتماعی و اقتصادی کشور بروز کرد و گرچه موجب توقف هنرهای درباری شد، اما صنایع و فنون سیر تکاملی خود را همچنان ادامه دادند. البته برخی رشته‌های هنری نظیر پیکرتراشی، موسیقی و صورتگری دیگر نمی‌توانستند به شیوه‌ای که طی قرنهای گذشته جریان داشتند، ادامه یابند و ناچار یا متوقف شدند یا از نظر کیفیت تنزل یافتند.

از قرنهای اول و دوم هجری مجموعهٔ سکه‌های موسوم به عرب ساسانی، تعدادی ظروف سفالی و معدودی مساجد اولیه با تغییراتی ناشی از تأثیر فرهنگ اسلامی به جای مانده است. مسجد تاریخانه یا تاریک‌خانه یا خدای‌خانه در دامغان نیز که به شمارهٔ ۸۰ در فهرست بناهای تاریخی ایران به ثبت رسیده، از جملهٔ آثار متعلق به همین دوره است.

از آغاز قرن سوم هجری و به ویژه با گسترش زبان عربی به عنوان زبان علمی مشترک میان مللی که به اسلام گرویده بودند، موجباتی فراهم آمد تا در قرون چهارم تا ششم هجری دوره‌ای آغاز شود که به عصر طلایی موسوم است. در این دوره تمدن تازه‌ای شکل گرفت که گرچه متأثر از اقوام و تمدنهای پیشین بود و رنگ ملیتهای گوناگون را با خود داشت، اما به هیچ‌یک از تمدنهای پیشین شباهتی نداشت.

آثار فرهنگی که از این قرون در موزه‌ها موجود است، گویای آن است که ایرانیان در رشته‌هایی نظیر ساخت مصنوعات

فلزی (اسلحه و ظروف مسی و برنجی)، معماری، گنجبری، پارچه و قالی‌بافی و به ویژه ساخت ظروف سفالی، به درجهٔ ممتازی رسیده بودند. طی این قرنها دانشمندان نظیر بیرونی، ابن‌سینا، رازی، فارابی، خیام و... می‌زیستند که در شعب گوناگون علوم مثل شیمی، طب، جغرافیا، ریاضیات و نجوم به درجه‌ای رسیده بودند، که قرنها آثارشان — که خوشبختانه شماری از آنها به زمان ما رسیده است — مأخذ و منبع تدریس در بالاترین سطوح تعلیمات علمی جهان قرار داشت. وجود کتابخانه‌هایی که نامشان به کرات در اسناد معتبر این دوره ذکر می‌شود، نظیر کتابخانهٔ ری^۸، کتابخانهٔ اصفهان و کتابخانهٔ شیراز^۹، گویای کثرت کتب خطی است، تا آنجا که در شرح احوال ابن‌سینا به بازار کتاب‌فروشان در بخارا اشاره می‌شود. متأسفانه از آن همه اثر، جز معدودی — و آن هم چند ورقی — به جای نمانده، و گاه فقط نامی از این آثار در نوشته‌های مؤلفان و متأخرین دیده می‌شود.

حملات اقوام مغول و تاتار در قرون هفتم و هشتم هجری، گرچه مصیبت بزرگی بود که از هر جهت بر جامعهٔ ایرانی وارد آمده بود اما از آنجا که این کشورگشایان بی‌فرهنگ، نیاز میرمی به ادارهٔ سرزمینهای مفتوحه داشتند، ناگزیر شدند معدودی افراد کارآزموده و برخی دانشمندان ایرانی را به قتل نرسانند، و به عنوان دستیار و وزیر از آنان بهره گیرند. همین نکته موجب شد تا فرهنگ و تمدن جدید ایران که طی سدهٔ دوم تا ششم هجری قوام یافته و به تکامل رسیده بود، برجای بماند.

برخی از این دانشمندان نظیر خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی^{۱۰}، وزیر غازان‌خان مغول، دست به اقدامات و اصلاحاتی از قبیل توحید اوزان و مقادیر، تعیین و تثبیت عیار سکه‌ها، ایجاد مدارس و شهرک دانشگاهی، و تأسیس کتابخانه و بیمارستان در تبریز و سلطانیه، زد.

نفوذ ایرانیان در هدایت مغولها و تاتارها به حدی رسید که هلاکوخان مغول از خواجه نصیرالدین طوسی وزیر دانشمند خود خواست که رصدخانه و زیجی تازه ایجاد کند. او به کمک علمای عصر در این امر توفیق یافت و با ایجاد مرکز علمی و رصدخانهٔ مراغه، نتایج بررسیهای خود را در کتاب «زیج ایلخانی» تدوین و منتشر کرد. الغریبگ فرزند شاهرخ و نوهٔ تیمور نیز از دانشمندان عصر خویش و بانی رصدخانهٔ سمرقند شد. او با همکاری دانشمند و ریاضیدان ایرانی، غیاث‌الدین جمشید کاشانی، در نجوم و ریاضیات تحقیقاتی انجام داد و با محاسبهٔ زمان و مدار گردش زمین، سرانجام تقویمی از سال شمسی تدوین کرد که قرنها متداول

هنرمندان بزرگی نیز ظهور کردند که در کلیه حوزه‌های هنری آثار بدیعی به جای گذاردند. در این دوره با انتقال پایتخت به اصفهان بناهای متعددی در این شهر ساخته شد، که مهم‌ترین آنها پل الله وردیخان، عمارت عالی‌قاپو و مسجد شیخ لطف‌الله و همچنین بسیاری کاروانسراها و رباطهاست که در سایر نقاط کشور ساخته شدند. علاوه بر ایجاد شاهکارهای معماری، که به هنگام تجدید بنای اصفهان صورت گرفت، سایر رشته‌های هنری و صنعتی نظیر کاشیکاری، نقاشی، تذهیب، خطاطی، قالی‌بافی، پارچه و زری‌بافی، شیشه‌گری و قلمزنی و ساخت اسلحه مرصع رواج یافته، و سیر تکاملی پیمودند. برخی جهانگردان نظیر شاردن، از کارگاههای نساجی و نیز نمونه‌های دیگر آثار بدیع ایرانی در این دوره دیدار کرده‌اند، و بیه و سزّه زری دوزی، مخمل‌بافی و حصیربافی را با ذکر جزئیات می‌ستایند.

عصر صفوی دوره کمال کاشیکاری است، و به دنبال پیشرفت‌هایی که در زمینه رنگ‌آمیزی و تثبیت رنگ حاصل شده بود، هنرمندان موفق شدند کاشیهای الوان معرق را به صورت نقوش و خطوط بسیار زیبا در عمارات به کار گیرند. نمونه‌های این نقوش و تصاویر در بسیاری از بناهای این دوره و در سراسر کشور وجود دارد، و از آن جمله کتیبه و نقوشی که به دست علیرضا عباسی در مجموعه تاریخی گنجعلی خان کرمان طراحی شده، موجود است.

از آثار مکتوب و تصاویر این عصر نمونه‌های فراوانی در موزه‌ها و کتابخانه‌های معتبر ایران وجود دارد، منجمله آثار میرعماد، کمال‌الدین بهزاد، رضا و علیرضا عباسی و نوشته‌های علمای عصر مانند میرداماد، و شیخ بهایی که آثارشان زینت‌بخش موزه هنرهای تزئینی، رضا عباسی و کتابخانه آستان قدس رضوی است.

سلطین صفوی و برخی حکام این عصر طی قرون دهم و یازدهم، با علاقه‌ای که به جمع‌آوری اموال فرهنگی داشتند، موفق شدند مجموعه‌هایی تشکیل دهند که در میان آثار مؤلفان و سیاحان این دوره فقط نامی از آنها به جای مانده، منجمله آثار متعلق به شاهزاده توران خانم و دیگر فرزندان شاه اسماعیل صفوی، که مجموعه‌ای از مرقعات، ظروف چینی، کتب خطی، جواهرات، تابلوهای نقاشی و سایر نفایس زمان خود را گردآوری کرده بودند، تا با بروز مصائب «در حیاط قصر انباشته و بکام شعله‌های آتشی مهیب بسپارند»^{۱۱}. این مورد از نمونه‌های بارز نابودی آثاری است که به سبب فقدان هر گونه مدرک و سندی، دیگر نشانی از آنها

علاوه بر ایلخانان، امیرزادگان تیموری نیز مشوق صنعتگران و هنرمندان شدند. از جمله بایستقر میرزا، پسر شاهرخ تیموری، حوزه هنری هرات را تأسیس کرد. او با پرداخت دستمزدهای گزاف و فراهم آوردن زمینه مساعد، هنرمندان و خطاطان و صنعتگران و جلدسازان و نقاشان و... را در این مجمع گرد آورد. کتابخانه بزرگی نیز با حمایت او تشکیل شد که اینک نسخه‌های آن در بسیاری از موزه‌های جهان پراکنده‌اند. از جمله این آثار نسخه خطی خمسة نظامی اثر بهزاد و نسخه‌ای از لیلی و مجنون و شاهنامه موسوم به بایستقری است که علاوه بر نفیست، از نظر مردم‌شناسی و مطالعه انواع پوشاک در این دوران حایز اهمیت است.

در این عصر، برخی از وزرا و حکام به گردآوری مجموعه‌های نفیس پرداختند. از جمله امیر علی شیرنواپی، وزیر هنردوست سلطان حسین بایقرا، به جمع‌آوری ظروف چینی، قالیچه، خیمه‌های ابریشمی و کتب نفیس پرداخت. هلاکوخان نیز پس از غارت بغداد، کلیه ذخایر و نفایس متعلق به خلفای عباسی را تصاحب کرد و با آنچه از سایر مناطق گرد آورده بود (مثل اموالی که از اسماعیلیان چپاول کرد) در خزاین سلطنتی خود در یکی از جزایر دریایچه ارومیه نگهداری کرد. برخی میورخان از علاقه ایلخانان بزرگ به گردآوری گورهای باستانی، آثار نقاشان اروپایی و آثار مذهبی یاد کرده‌اند.

از بناهای متعدد مغولان و تاتارها می‌توان گنبد سلطانیه و مسجد گوهرشاد را ذکر کرد. در مسجد اخیر الذکر، با استفاده از طرح و ساخت کاشی معرق یکی از بهترین نمونه‌های هنر کاشیکاری ایرانی دیده می‌شود. در این بنا کتیبه‌ای به خط خوش، اثر بایستقر میرزا امیرزاده هنرمند تیموری همچنان باقی است. علاوه بر کاشیکاری، تذهیب و جلدسازی، ساخت ظروف سفالی و سفال لعابدار منقوش، بافت انواع پارچه و مصنوعاتی مانند اسلحه مرصع، رواج کامل یافته بود، و اینک در بسیاری از موزه‌ها و مجموعه‌ها از جمله در موزه هنرهای تزئینی، موزه آبیگینه و سفالینه و مجموعه وقفی مرحوم حاج حسین ملک در کتابخانه و موزه ملک، نمونه‌هایی از آثار این دوران نگهداری می‌شود.

با آغاز قرن دهم هجری و به مدتی در حدود دو بیست و پنجاه سال، به واسطه استقرار مرکزیت نیرومند در کشور و فتح باب مرادات با اکثر دول اروپایی، شهرهای بزرگ ایران مرکز بازرگانی داخلی و خارجی شد و با رونق تجارت و صنعت،

باقی نماند.

بخش دیگر آثار بدیع دوره صفویان و به ویژه جواهرات و آثار مرصعی که در دژ قهقهه نگهداری می‌شد، و شاردن سیاح اروپائی^{۱۲} موفق به دیدار آنها شده بود، همچنین کتابخانه و عمارات بزرگ سلطنتی و ذخایر عیان و اشراف عصر، همزمان با ورود افغانها به اصفهان، غارت شدند، سپس مقادیری از این آثار توسط نادرقلی افشار پس گرفته شد که با آنچه از هند به همراه آورد در کلات خراسان نگهداری شد، لیکن پس از قتل نادر ذخایر به مشهد آورده شد و به دست برادرزاده او - عادلشاه - (سواى جواهرخانه و باقی تحفه ها و نفایس که فزون از حساب و قیاس بود، نقره خام را به بهای شلغم بخته و گوهر شاهوار را به جای سنگ و سفال به خرج داد^{۱۳}».

ذخایر اموال خاندان زند و مجموعه کتب نفیس خطی متعلق به خاندان وفا از جمله نفایس و آثار ارزشمند عصر زندیه است. در آغاز قرن سیزدهم هجری و هنگامه هجوم قاجارها به شیراز، سیر هارفورد جونز، نماینده دولت انگلستان در بصره، جهت خرید جواهرات بی‌همتایی که آخرین فرمانروای زندیه همراه داشت و می‌بایست به منظور تهیه اسلحه و مهمات به فروش می‌رفت، در شیراز با لطفعلیخان زند ملاقات داشته است^{۱۴}. او مأموریت می‌یابد مجموعه کتب خاندان وفا را نیز از شیراز خارج کند و از دسترس قاجارها دور نگه دارد. ظاهراً پس از سقوط شیراز، نخستین کسی که نزد آغا محمدخان آورده شد، میرزا محمدحسین وفا وزیر زندیه است. خان قاجار پس از اطمینان از وجود آن مجموعه نفیس در شهر و تصرف آنها، به وزیر زندیه امان داد و از قتل او درگذشت^{۱۵}. تصور می‌شود که کتب مزبور در دستگاه سلطنتی قاجار دست به دست گشت و سرانجام ناصرالدینشاه با تشکیل «کتابخانه و موزه همایونی» در کاخ گلستان، از آنها بهره گرفت.

اعتمادالسلطنه^{۱۶} در روزنامه خاطرات، در باب اولین موزه ایران و کتابخانه همایونی، می‌نویسد: «موزه همایونی خزینه‌ای مشحون به جواهر گرانبها و ظرایف و نفایس اشیاء و ... مصنوعات ازمنه سابقه و ... پرده‌های نقاشی ... مسکوکات قدیمه ... و کتابخانه در جنب موزه مبارکه همایونی است، که چندین هزار جلد کتاب خطی و چاپی در آن موجود می‌باشد.»

بخش عمده اموال و آثار «موزه همایونی» شامل تابلوهای نقاشی، هدایا و فرشهای نفیس، تخت مرصع موسوم به تخت طاووس، و سایر آثار ارزشمند در تالار موزه یا تالار سلام قرار

داشت و برخی از آنها در سالهای اخیر بنا به ملاحظاتی به موزه جواهرات بانک مرکزی ایران انتقال یافت، و بخش دیگر که تعدادی سلاح و تابلو بود، به هنگام تشکیل موزه جنگ افزار به دانشکده افسری برده شد و پس از توقف فعالیت موزه اخیر، بقایای آثار ضمن برپایی موزه نظامی در یکی از عمارات کاخ سعدآباد مورد استفاده قرار گرفت.

آن بخش از مجموعه خطی متعلق به خاندان وفا که تا انقراض قاجاریه به جای مانده بودند، به علاوه نسخه‌های چاپی و خطی که در زمان سلطنت قاجارها گردآوری شده بودند و کتابخانه همایونی را تشکیل می‌دادند، پس از تغییر سلطنت و تشکیل کتابخانه سلطنتی، به این مرکز منتقل شدند و بخشی نیز در کتابخانه شخصی بعضی از نوادگان ناصرالدین شاه به جای ماندند و احياناً به طریقی به فروش رفته و راهی خارج از کشور شدند، و معدودی از آنها پس از انقلاب ضبط و به اداره کل موزه‌ها انتقال یافت.

اصول مستند سازی اموال فرهنگی منشأ مجموعه‌ها

موزه‌ها، اعم از هنری، باستانی، علمی و ... مجموعه‌هایی دارند که هسته مرکزی مواد آنها را تشکیل می‌دهند. به این معنی که هیچ موزه‌ای بدون مجموعه اصلی، دلیلی بر موجودیت و فعالیت نخواهد داشت - نظیر مجموعه فرشهای موزه فرش ایران یا آثار تزیینی در موزه هنرهای تزیینی. این مجموعه‌ها معمولاً به طرق گوناگون به وجود می‌آیند که در زیر به این موارد اشاره می‌کنیم.

الف: انتقالات قانونی

به هنگام انحلال یا تحول یک موزه و گشایش موزه‌ای دیگر، مجموعه‌های پیشین به موزه جدید التاسیس منتقل می‌شوند، نظیر آثاری که پس از انحلال موزه جنگ افزار به کاخ سعدآباد انتقال یافتند تا در تشکیل موزه نظامی مورد استفاده قرار گیرند. علاوه بر انتقال قانونی آثار، گردآوری و تشکیل مجموعه‌ها می‌تواند از طریق گردآوری یافته‌های حفاریات یا خریداری منظم اشیاء نیز صورت گیرد.

ب: وقف و اهدا

مجموعه مواد موزه‌ها می‌تواند از طریق اهدا یا وقف نیز به دست آید، مثل مجموعه اهدایی محسن فروغی به موزه رضا

عباسی یا مجموعه‌ای که از طرف مرحوم حاج حسین ملک وقف آستان قدس رضوی شد و اینک در کتابخانه و موزه ملک، واقع در بازار بین‌الحرین تهران، نگهداری می‌شود.

ج: آثار امانی و موقت

مجموعه آثاری که به منظور مشارکت در نمایشگاه‌های موقت و برای مدت معین می‌تواند در هر موزه‌ای وجود داشته باشد، یا آثاری که در مواقع اضطراری و بنا به ملاحظات امنیتی از موزه‌ای به موزه دیگر منتقل می‌شوند (نظیر آثار موزه شوش و هفت تپه که به هنگام بروز جنگ تحمیلی به موزه ایران باستان منتقل شدند) از آثار و مجموعه‌های موقت و امانی به شمار می‌آیند. به هر صورت آنچه در مورد منشأ مجموعه‌ها ذکر شد، نه تنها در مورد مجموعه اصلی و هسته مرکزی اموال هر موزه می‌تواند صادق باشد، بلکه شامل ذخایر مواد و اشیاء مطالعاتی نیز هست که باید بدون استثنا، به محض ورود به موزه - به هر طریق - ثبت شود.

مهمترین دلایل ثبت اموال فرهنگی

- ۱ - الزامات قانونی: براساس آیین‌نامه اموال دولتی، کلیه موزه‌داران مسئول یا جمعداران اموال فرهنگی، موظفند آثاری را که در تصدی دارند، ثبت کنند. (رجوع کنید به فصل‌های دوم و سوم آیین‌نامه اموال دولتی، مصوب ۱۵ دیماه ۱۳۴۹).
- ۲ - به دلایل امنیتی، ضروری است که ثبت اشیاء و اموال موزه‌ها به نحوی صورت گیرد که شناخت هر اثر را از سایر مشابهات، به سادگی امکان‌پذیر کند.
- ۳ - شناخت و ثبت مواد مشکله اشیاء به منظور اجتناب از به وجود آمدن شرایط زوال و فساد آثار.
- ۴ - شناسایی و ثبت نمونه‌های تکراری، اشیاء مطالعاتی و آثاری که با مجموعه اصلی موزه سنخیتی ندارند، به منظور استفاده اصولی از اینگونه آثار، از طریق مشارکت دادن آنها در نمایشگاه‌های سیار و موقت.
- ۵ - پژوهش و عرضه خدمات اطلاعاتی در سطوح مختلف.
- ۶ - تعیین نقایص و تکمیل مجموعه اصلی موزه.

روشهای مستندسازی اموال فرهنگی

ثبت آثار و تهیه هرگونه فهرست و سند برای هر یک از

اشیاء می‌تواند به دو روش زیر صورت گیرد:

ثبت مستقیم

ثبت غیر مستقیم

۱ - ثبت مستقیم: در این روش، استخراج و گردآوری اطلاعات و تکمیل اسناد با مراجعه به شیء صورت می‌پذیرد. از این رو باید اشیاء مورد نظر در دسترس باشند، تا استخراج و ثبت اطلاعات امکان‌پذیر شود.

۲ - ثبت غیر مستقیم: در این روش، اطلاعات مورد نیاز با مراجعه به منابع و مآخذ و اسناد مکتوب استخراج می‌شود. بدیهی است هر یک از دو روش، معایب و محاسنی دارد و به نظر می‌آید که تلفیق این دو روش نتایج مطلوبتری خواهد داشت؛ در این صورت احتمال بروز خطا تقلیل یافته، اطلاعات پیشین با مراجعه به شیء، مورد ارزیابی مجدد قرار می‌گیرد.

دفاتر و اسناد ثبت اموال فرهنگی

هر موزه، اعم از کوچک یا بزرگ، به دلایلی که قبلاً اشاره شد، می‌باید کلیه آثار نمایشگاهی، ذخایر مواد و نمونه‌های مطالعاتی را در دفاتر و اسناد قانونی که به همین منظور تهیه شده‌اند ثبت و ضبط کند. مهمترین این دفاتر و اسناد عبارتند از:

۱ - دفتر ثبت کل

این دفتر مشتمل بر اسناد ویژه ثبت خصوصیات کلی انواع آثار است و اشیاء، صرف‌نظر از نوع آنها، منحصرأ به ترتیب وصول و ورود آنها به موزه، در این دفاتر ثبت می‌شوند. تکمیل این دفتر از مهمترین وظایف جمعداران اموال فرهنگی و موزه‌داران مسئول است، و قانوناً ملزم به انجام آن هستند. این دفاتر برگ شماری و پلمب می‌شوند و باید از هرگونه قلم خوردگی، خدشه و کسری صفحات عاری باشند.

۲ - دفتر ثبت سنخیت آثار

دفاتر ثبت سنخیت اشیاء، شامل فرم‌های ویژه ثبت کتب و اسناد خطی، انواع فرش و فرم شماره ۹ اموال دولتی است، که مختص ثبت سایر آثار نفیسه و عتیقه است. دفاتر اخیر، به‌ویژه در موزه‌های بزرگ که دارای بخشهای مجزا و متمایزند، جهت ثبت آثار هر بخش و کنترل موجودیها، تعیین نقایص و مواد تکراری در هر قسمت و نظارت بر شرایط خاص حفاظت فنی انواع آثار و سایر اقدامات جانبی، بسیار مفید

۸- نام سازنده، هنرمند یا قوم و مردمی که شیء به آنان تعلق داشته است.

۹- کاربرد شیء (تزیینی، ابزار کشاورزی، لوازم منزل و ...).

۱۰- جنس و مواد متشکله کل و اجزاء شیء.

۱۱- ابعاد، وزن، رنگ و سایر کمیتها.

۱۲- وضعیت و نقایص شیء.

۱۳- توصیف مضامین و حالات اثر.

۱۴- چگونگی دستیابی موزه به شیء (خریداری، اهداء، کشف) و مالکیتهای قبلی.

۱۵- سایر اطلاعات، جزئیات و مرمتهای احتمالی.

۱۶- تاریخ تکمیل برگه.

۱۷- ارجاع به عکس و فیلم همراه با ذکر شماره و درج مشخصات کتابشناسی.

همزمان با ثبت خصوصیات آثار، مناسبتر خواهد بود برخی اقدامات نظیر عکسبرداری، تهیه صورت اقلام مصدوم، تهیه فهرست مواد تکراری و لیست کمبودهای مجموعه‌ها و نظافت اولیه آثار و سایر اقدامات جانبی نیز صورت پذیرد.

برخی وسایل اولیه، برای ثبت اموال فرهنگی

خط کش، ذره بین، سوهان ریز، متر فلزی، متر چرمی، کولیس، تیزاب خیلی رقیق، برس مویی، برس فلزی نرم و زبر، آب مقطر، دستکش، روپوش، برسهای مناسب (کاغذی، چرمی، پارچه‌ای و فلزی)، فرم و دفاتر ویژه ثبت آثار.

۳- دفتر ثبت آثار امانی و عبوری

به همان دلایلی که مواد نمایشگاهی به ثبت می‌رسند، ضرورت دارد آثاری که موقتاً در نمایشگاهها وجود دارند و یا جهت بازسازی در کارگاه مرمت نگهداری می‌شوند، به ثبت برسند. در دفتر ویژه ثبت آثار عبوری و امانی، جزئیات آثار، زمان ورود و مبدأ هر شیء ذکر خواهد شد، و به هنگام خروج اشیاء، مجوز قانونی، مقصد و زمان خروج آنها ثبت می‌شود. این دفتر مدرک معتبر و قابل استنادی در جا به جایهای آثار امانی و عبوری است.

۴- برگه یا فیش اطلاعاتی - بانک اطلاعات یا آرشیو

فعالیتهای آموزشی و عرضه خدمات پژوهشی در موزه، بدون شناخت کامل آثار، میسر نمی‌شود. بدین لحاظ، تنظیم و تدوین برگه‌های اطلاعاتی و در نهایت تشکیل بانک اطلاعات یا آرشیو در موزه، همراه با جمع‌آوری وسیعترین آگاهیه‌ها و تکمیل برگه‌ها از طریق تهیه عکس رنگی و طرح آثار، صورت می‌پذیرد. این برگه‌ها از نظر اقدامات حفاظتی و پژوهشی منابع معتبر و مستندی خواهند بود.

نکته مهم آن است که دفاتر و مدارک مربوط به آثار و نوع مجموعه‌ها، به هیچ وجه نباید در دسترس دیگران قرار گیرد.

برگه یا شناسنامه تفصیلی آثار موزه‌ای

هر برگه یا فرم اطلاعات مربوط به اموال فرهنگی، به طور کلی حاوی بخشی از پرسشها و موارد زیر است. در اینجا کوشیده‌ایم کلی‌ترین و عمومی‌ترین موارد ذکر خصوصیات آثار را بیان کنیم و الزاماً کلیه موارد زیر و پرسشهای مربوطه درباره یک نوع اثر مصداق نخواهد داشت.

۱- نام و نوع شیء.

۲- شماره برجسب - شماره مسلسل دفتر کل.

۳- نام سازمان - موزه و بخشی که شیء به آن تعلق دارد.

۴- شیء، نمایشگاهی یا ذخیره است؟

۵- طبقه خاص شیء به لحاظ تعلق به گروههای هنری،

باستانی، مردم‌شناسی، علمی و ...

۶- دوره و تعلق تاریخی شیء.

۷- منشأ جغرافیایی شیء.

۱- خزاین سیحون - مجموعه آثاری که با ریزش کناره سیحون، به طور تصادفی به دست آمد - ابتدا به هندوستان برده شد و اینک در موزه‌های بریتانیا نگهداری می‌شود.

۲- به گفته صاحب نظران، این آثار از شاهکارهای هنر زرگری عصر هخامنشی است و جز معدودی عکس و اشاراتی جزئی در مورد آنان، تاکنون چیزی به دست نیامده است. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به تاریخ ایران، نوشته ژنرال سربرسی سایکس، ترجمه فخر داعی گیلانی، چاپ علمی، تهران، ۱۳۴۲.

۳- در سال ۱۳۳۸ پروفیسور رودنکو - باستان‌شناس روسی - در ناحیه یازیریک از سبیری مرکزی، موفق شد قطعاتی از قالی و فالیه‌هایی، اکتشف کند که بر اساس شواهد، متعلق به دوره هخامنشی است. در یکی از قطعات که به علت یخبندان سالم مانده است، یک ردیف سوار ایرانی مجسم شده است. این آثار اینک در موزه ارمیتاژ لنینگراد نگهداری می‌شوند. نقل به مفهوم از قالی باقی در ایران، نوشته علیرضا حیدری، مجله سخن، دوره دهم، شماره چهارم، تیرماه ۱۳۳۸.

۳- پس از تاراج شهر اصطخر توسط مقدونیان، عمارات تخت جمشید به آتش کشیده شد و از این طریق هزاران لوح گلی که به عنوان صورتحساب و گزارشهای روزانه در خزاین تخت جمشید نگهداری می شد، بخته شد و بدین صورت از گزند زمانه محفوظ ماند.

۴- به اعتقاد انتکانیان متن کامل اوستا بر پوست دوازده گاو نوشته شده بود و در آتش سوزی تخت جمشید از میان رفته بود.

۵- تاریخ اجتماعی ایران. مرتضی راوندی، صفحه ۷۵۷.

۶- هیونت تسانگ، سیاح چینی که اواخر دوره ساسانی از ایران دیدار کرده است، از برخی محصولات و مصنوعات ایرانی، از جمله آزاری از طلا، نقره، مس، مروارید، پارچه های پشمی و ابریشمی و قابلهای ایرانی سخن می گوید. نقل به مفهوم از دایرة المعارف فارسی مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب، جلد اول.

۷- ابن الندیم، مورخ قرن چهارم هجری است و اثر معروف او الفهرست، مشتمل بر فهرست کتابهای موجود به زبان عربی در علوم و شرح احوال نویسندگان آنان تا سال ۳۷۷ هجری قمری. به نقل از صفحه ۱۶ منبع اخیر الفکر.

۸- در سال ۴۲۰ هجری قمری سلطان محمود غزنوی به ری لشکر کشید و پس از ضبط ثروتها و تقابلی متعلق به مجدالدوله دیلمی، بسیاری از کتابهای گرانها و که نظیر موجود در کتابخانه دیلمه را به این بهانه که حاوی مطالب فلسفی و نجومی است به آتش سپرد.

۹- مقدسی، سیاح و جغرافیای قرن چهارم هجری و معاصر سامانیان است. او کتابخانه سلطنتی عضدالدوله دیلمی را در شیراز دیده و پس از وصفی که می کند، چنین می نویسد:

«در این کتابخانه نقشه های جغرافیایی که بر روی کرباس کشیده بودند وجود داشت و من آنها را دیدم، از این نقشه ها در کتابخانه صاحب بن عباد و کتابخانه امیر خراسان نیز بود، ولی هر یک با دیگری اختلاف و تفاوت داشت.» به نقل از صفحات ۲۴۱ و ۲۴۲ تاریخ اجتماعی ایران، اثر مرتضی راوندی، چاپ تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۷. ایضاً صفحه ۲۰۷ اعلام جلد ۶ فرهنگ فارسی اثر مرحوم دکتر محمد معین، چاپ امیر کبیر، ۱۳۶۰.

۱۰- خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی از وزرای ایلخانان مغول بود، که وزارت سه پادشاه ایلخانی را به عهده داشت. خواجه در طوق بیست و یک سال وزارت، ثروت هنگفتی فراهم آورد که همه را وقف ساختن ابنیه خیریه و مؤسسات عام المنفعه می کرد. مهم ترین کار او پس از ایجاد شهرک دانشگاهی موسوم به ربیع رشیدی در تبریز، که مشتمل بر بیمارستان، کتابخانه، محله مسکونی طلاب و دانشمندان و کارگاههای متعدد بود، تألیف کتاب عظیم جامع التواریخ است که به دستبازی دانشمندان ایرانی، چینی و فرنگی متیب دربار سلطنتیه صورت گرفت.

در کتابخانه ربیع رشیدی بگهزار جلد قرآن نفیس، که سیصد جلد آن منقذ، ده جلد به خط یاقوت مستعصمی، دو جلد به خط ابن مقفله، بیست جلد به خط احمد سهروردی و بقیه به خط خوشنویسان دیگر، همراه با شصت هزار جلد کتاب در انواع علوم از ایران و سایر ممالک جمع آوری شده بود، نگهداری می شد، و خواجه همه را وقف ربیع رشیدی کرده بود، لیکن پس از قتل فجیع خواجه و پسرش، تمام اموال او و شهر دانشگاهی تبریز و کتب و وسایل و آلات بیمارستان به بغمارفت و به نوشته یکی از مورخان «... از ربیع رشیدی و خانه های وزیران چندان مرصعات و نقود و اقمشه و امتعه و کتب نفیسی بیرون آوردند که شرح آن را مدتی باید...» به نقل از کیهان فرهنگی شماره ۱۲، اسفند ماه ۱۳۶۴، مقاله وزیرکنان، نوشته دکتر سید جعفر حمیدی.

۱۱- موزه داری و کاربرد آموزشی موزه ها، جواد پارسای جاوید (ابن جزوه از سوی گروه آموزش و انتشارات اداره کل موزه ها برای استفاده در کلاسهای آموزشی تکثیر شده است).

۱۲- شاردن از انواع جواهرات و اقسام اسلحه سرد و گرم و ساعتها و ظروف طلا و مصنوعات مختلف جهان که به پادشاهان صفوی هدیه شده بود، و نیز از لباسهای امیر تیمور که در این قلعه نگهداری می شد، سخن رانده است. صفحه ۸۰ کتاب اصفهان،

لطف الله هنرفر، چاپ تهران، ۱۳۵۶.

۱۳- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، صفحه ۴۶۷، به نقل از مجمل التواریخ.

۱۴- سرهارفورد جسون پس از انقراض زندیه، در دستگاه فتحعلیشاه جواهرات بسیار نازلی را می بیند که به ادعای شاه و برخی درباریان همان زیورآلات زندی است، لیکن درباریان به او توصیه می کنند که از اظهار نظر خودداری کند و سلطان قاجار را به خیال خویش بگذارد.

۱۵- تعداد کتب این مجموعه نفیس ابتدا ششصد جلد تصور می شد، اما بعدها مشخص شد که هفتصد و پنجاه و پنج جلد بوده است. خان قاجار به واسطه ساها اقامت در دستگاه کریم خان، از کم و کیف زندگی و مکتب اطرافیان وکیل با خبر بود.

۱۶- محمدحسن خان ملقب به اعتمادالسلطنه، از رجال عصر ناصرالدینشاه قاجار و وزیر انطباعات و عضو مجلس شورای دولتی بود. او به تألیف، ترجمه و انتشار کتاب می پرداخت. از آثارش مطلع الشمس، و المآثر و الآثار است. به نقل از صفحه ۱۶۸، جلد اول دایرة المعارف فارسی، اثر مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب.

متابع و مأخذ

- دایرة المعارف فارسی مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب.

- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، چاپ تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۷.

- اصفهان، لطف الله هنرفر، چاپ تهران، ۱۳۵۶.

- ایران و تمدن ایرانی، کلمان هوار، ترجمه حسن انوشه، چاپ امیر کبیر، ۱۳۶۳.

- تاریخ ایران، ژنرال سرپرسی سایکس، ترجمه فخر داعی، تهران، ۱۳۴۳.

- آخرین روزهای لطفعلی خان، ترجمه هما ناطق، چاپ تهران.

- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم، ترجمه کریم کشاورز، چاپ تهران، ۱۳۴۶.

- نگاهی به نگارگری ایران در سده های دوازدهم و سیزدهم، اردیبهشت ۱۳۵۴، تهران.

- مقاله وزیرکنان، دکتر سید جعفر حمیدی، کیهان فرهنگی، شماره ۱۲، ۱۳۶۴.

- جزوه موزه داری و کاربرد آموزشی موزه ها، نوشته جواد پارسای جاوید، از انتشارات اداره کل موزه ها.

- ویژگیهای تاریخ - شناختی از پایه گذاران تمدن در جهان، اردشیر جهانیان، چاپ اول، آذرماه ۱۳۶۴.

- مطالعات فنی در زمینه موزه ها و هنرهای زیبا، اثر سوارناکمال، ترجمه مهرداد وحدتی، اداره کل موزه ها، سال ۱۳۶۳.

- سازماندهی موزه ها - از مجموعه انتشارات یونسکو در زمینه موزه ها و بناهای تاریخی - ترجمه عبدالرحمان اعتصامی صدیقی، اداره کل موزه ها، سال ۱۳۶۴.

- تاریخ هنر اسلامی، کریستین پراسی، ترجمه مسعود رجبتیا، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۵.

- آیین نامه اموال دولتی، مصوب ۱۵ دیماه ۱۳۴۹، وزارت دارایی، به شماره ۷۹۵۱/۱۴، مورخ ۱۳۵۰/۷/۱۶.